

## اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ

ترجمه : ثنا و صفت مر خدای را که هدایت کرد ما را و اگر حضرت او جلت عظمته رهنمونی نمی فرمود، ما نبودیم که راه یابیم.  
به عبارۀ دیگر : اگر او جل جلاله ما را به شاهراه مستقیم راه نمایی نمی کرد ما راهیاب نمی شدیم.

### مقدمه :

یکی از تلاطم های مغز و جستجوهای گرم و داغ روز به دیدهء جوانان دراک و خدا جوی روشن فکر اینست که تا هر چه زودتر بر واقعیت علت العلل و پیشرفت سریع صدر اسلام بفهمند و باز هم در پهلویش آرزو دارند که چه وسایط باعث پسمانی و تشتت این کتله مؤمنین گردیده است که البته فکر نیکوست.

هرگاه به پرسش های مطالب حاوی این سوالات مثلیکه عده یی از مسئولان به خواندن قرآن و یا تفاسیر و غیره آثار پر عرض و طول اسلامی حواله می نمایند ما هم جواب دهیم، به اصطلاح عوام گویا به پشت نخود سیاه این شایقین پاکدل را سرگردان کرده ایم. که این به ذات خود گول زدن و یا به چپ کوچه سرگردان کردن باشد و این بدان معنی نیست اشتباه نکنند که به حل معضلات و پرسش های خود جوانان از مطالعه تفاسیر و احادیث

پی بر کنه التیام آلام درونی خویش نخواهند برد، بلکه حقیقت اینست که فرصت و زمان را به عصر حاضر دید و وادید این و آنهای سرگرم کننده اکثراً باطل و ضایع کنندگان عمر، چنان تنگ و تنگتر کرده اند که مجال خواندن تفسیر چه که تلاوت مجرد را از پیشروی بیبیشتر شان برداشته اند. پس با دید این واقعیت آیا حواله به خواندن تفسیر و احادیث مترجم به معنی جواب ندادن یا به کوچهء حسن چپ سرگردان کردن را نمی دهد؟ جواب مثبت است.

بنابر درک این حقایق اینک در طی پرسش های ساده به داخل (۶) باب، لب لباب اساسات ارتقای اسلام و بشریت را با وانمود کردن علت پسمانی اش به داخل (۴۹) سوال ارزنده و آموزنده خلاصه کرده، تقدیم برادران و محبان شایق اسلامیت و انسانیت نمودیم.

## سوالات عمومی

### برتریت انسان :

۱- آیا تصرف بشر در بحروبر بر همه موجودات دیگر به اثر مغز صورت گرفته است؟

۲- هرگاه حصول این نعمت (تصرفات بر اشیاء) به مغز تعلق داشته باشد مگر فیل با داشتن یک سیر مغز مستحقرتر از انسان به کشف اسرار اشیاء نیست؟

۳- چرا انسان به مغز کوچک تقریباً نیم کیلو موفق به اختراعات سرسام آور آلات و اسباب غولپیکر گردیده و جانداران بزرگتر چون فیل نشدند؟

۴- چرا انسان به خود حق داده است که هر چه بیابد از آن استفاده مشروع و ناجایز نماید؟

۵- چرا بادی انسان برخلاف همه جانداران عمودی خلق شده و از دیگر جانداران افقی؟

۶- چرا انسان برخلاف همه موجودات کرهء خویش به احسن صورت خلق گردیده است؟

## رموز پیشرفت مسلمانان در صدر اسلام

۱- آیا رمز کامیابی و یا اصلاح و سلامت قلب و جسم در صدر اسلام به مؤمنان چه بود؟ و از چه چیزها بود؟

۲- آیا وصول حقایق ایمان و خدا پرستی مربوط به مردمان صدر اسلام بوده و یا به پیروان ما بعد هم بهرهء از آن رسیده؟

۳- اگر بهره و حصه از آن برای مسلمین امروز باشد چرا برخلاف مؤمنان در اول صدر اسلام به همه ناداری و ناتوانی و قلت آلات و اسباب و

دانش بر بزرگترین قوت های جهان غالب بودند و ما در حال مغلوبیت قرار داریم و حتی بر متمردين فامیل خویش نفوذ کرده نمی توانیم؟

۴- اگر بهره و حصه به ما نباشد پس ادعای حق بودن پیروان قرآن

چیست؟ زیرا خداوند جل جلاله فرموده:

« وَ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا »

ترجمه: بگو وقتی که بیاید حق، باطل محو میشود به درستی که باطل محو شدنیست. (اسراء/۸۱)

۵- آیا میدانید که حق، حق است و باطل، باطل است در هر جا و هر

وقت نباید باطل بر حق غالب گردد؟

۶- شما خوب غور کنید آیا عجب نباشد که باطل بر حق مسلط گردد؟

۷- آیا این بدبختی و عقب ماندگی پیروان اسلام امروز بیانگر دوری ما

از حق و حقیقت نیست؟

۸- آیا چه چیز را از دست داده ایم که از خدا جل جلاله و حق و حقیقت

دور شده ایم؟

۹- آیا به دریافت چه چیز باز به حق و حقیقت رسیده و موفق شده

میتوانیم؟

۱۰- در جواب این همه معما های نامکشوف و حل نشده باید گفت که:

بلی! کار گردانان مدرسه قرآن فقط در ترمیم و ارتباط یک کیلو مغز و نیم

کیلو قلب، گرنتی صحت و سلامت فرد و اجتماع بشر را به یاری خداوند جل

جلاله می نماید.

## نا آرامی های فردی

۱- چرا انسان ناخود آگاه به یکنوع کشاکش های درونی همیشه گرفتار است؟

۲- این نیروهای محرکه چیست و از کجا منشأ میگیرند؟

۳- آیا چه چیزها باعث ایجاد افکار ضد و نقیض و اکثراً آزار دهنده در مغز و قلب انسان میباشد؟

۴- چرا انسان ناخواسته به چنین افکار متأذی کننده کشانیده میشود؟

۵- چطور ممکن است تا آنرا کنترل نماییم و نگذاریم که باعث آزار ما گردد؟

۶- چرا انسان اکثراً نمی تواند جلو آنرا بگیرد؟

۷- چرا انسان گاهی سلیم و زمانی همان موجود نا سلیم و مضر واقع میشود؟

۸- چرا انسان اکثراً به بدی و بدکاری می اندیشد و عمل می کند؟

۹- آیا علت کم علائگی انسان به خدا جل جلاله چه باشد؟ در حالیکه همه نعمت را او جل جلاله برای آرامی ما آفریده است.

۱۰- چرا انسان ارتباط بیشتر را به اشیای غیر خدا می گیرد؟ و به

دریافت آن علاقه و محبت زیاد نشان میدهد؟ و گاهی به منعم و انعامش که به اکرام مرحمت کرده نمی اندیشد؟

۱۱- آیا چه عامل با دید این همه نندارتون باعث بر بی محبتی و حتی

انکار بنده از خدا جل جلاله می گردد؟

۱۲- برعکس چه انگیزه ها موجب قرب و ارتباط بنده به او تعالی جل جلاله میشود؟

۱۳- انسان ها به هر مصنوع سازنده را قایل است چرا منکر از سازندگی و یا انجینری مصنوعات نندارتون جهان (دنیا) به این همه نظم و نسق میشود؟

## نا آرامی های اجتماعی

- ۱- چه چیز انسان را بدین وحشت با همه هوشیاری و دانش و صحت عقل که دارند به چنین اعمال غیر انسانی وادار می سازد؟
- ۲- چرا انسان برای تأمین امیال فاسد نفسانی خویش دست به اعمال شرم آور و ننگین میزند که حتی بدتر از حیوانات درنده می گردند؟
- ۳- آیا چه چیزها شخص یا اشخاص را مجبور به استثمار و حتی کشتارهای هزاران هم نوع خود می کند؟
- ۴- آیا نمونه جریان های بارز این کشتارها را از دست پیشتازان بشریت و ادعا داران مدنیت در گوشه و کنار جهان به گوش نه شنیده و به چشم سر نمی بینند؟
- ۵- آیا به عقیده شما انسان ها میتواند منابع بار آورنده این بدبختی ها و مفسد را در خویش نابود سازند و روحیه عدالت گستری و برادری و برابری مسالمت آمیز را در خود قوی کرده و پیروراند؟

## جستجوی طرق سلامت انسانی

۱- چگونه پروگرام و کدام مدرسه را در جهان میتوان تشکیل کرد که فارغ التحصیلانش اگر برای بنی نوع بشر خوبی و نیکویی نکنند بدی هرگز نه نمایند؟

۲- آیا ممکن است پروگرام درسی تحصیلات لازمی را به انواع کتب طوری به میان آریم تا فارغ التحصیلان مکتب مذکور دیگر ابدًا بدکار نبوده و فی صد (۸۰) تا (۹۰) و حتی صد در صد از بهترین خدمتگاران اجتماع برای همیشه به هر موقف و کار که دارند گردند؟

۳- چگونه میتوان الهامات ملکی و نیکویی را در خود تقویت کرد؟ و وساوس فاسد شیطانی را یا نابود و یا مختنق کرد؟

۴- آیا چگونه جلو جار و جنجال های تباه کن اجتماعی را در عصر کنونی گرفته میتوانیم؟

۵- آیا چه چیز می تواند که انسان را همیشه سلیم نگهدارد و از کدام طرق بدین مرام نایل شده می تواند؟

۶- چه چیز در جسد انسان باعث سلامت و اصلاحش بطور کامل شده میتواند؟

۷- اشترنگ بدن انسان در امور خیر و شر به کدام عضو تعلق دارد؟

۸- آیا مفهوم حدیث شریف: «ان فی الجسد مضغة اذا صلحت صلح الجسد كله و اذا فسدت فسد الجسد كله الا وهی القلب» چیست؟

۹- اصلاح و فساد بدن چه ارتباط به سلامت قلب دارد؟

۱۰- آیا منظور از صلاح و فساد در دل چیست؟

۱۱- آیا به عقیده شما منظور از فساد قلب خرابی خون بوده و یا

برعکس صحت خون سلامت آنست؟

۱۲- با آنکه کفار ادعا دارند که دل های شان از نگاه طب بر قلوب اکثر

مدعیان وحدت و اسلام از جهت صحت و سلامت خون و هم از ناحیه انساج

دل صحیح و سالمتر است پس حقیقت « فی قلوبهم مَرَضٌ » چیست؟

## چرا انسان را مرده میگویند؟

۱- آیا وسایط حواس خمسه چون گوش، چشم، بینی، زبان، دست و پا

بذات خود دارای این همه ادراکات اند؟

۲- اگر این استعداد ذاتی جوارح حسی باشد پس چرا بعد از مرگ با

آنکه اعضا مذکور ظاهراً مکمل هستند اما هیچ کاری کرده نمی تواند. یعنی

چشم نمی بیند، گوش نمی شنود، دست و پا حرکت نمی کند چرا؟

۳- پس از مرگ از انسان چه چیز کم میشود که میگویند مرده است؟

## سوالات دینی

۱- ائمه دین و مفسرین (رح) گویند همه قرآن کریم در بسم الله الرحمن

الرحیم گنجانیده است.

آیا تثبیت این واقعیت را به چه ترتیب میتوان نمودار ساخت؟

۲- ائمه دین و مفسرین (رح) به این تحقیق متفق الرأی اند که همه قرآن در سوره فاتحه پیداست آیا ثبوت این حقیقت چطور روشن گردیده میتواند؟

۳- در حالیکه ما دین و رهنمایی های دین را نظر به نص صریح: «  
الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...» (مائده/۳)

ترجمه : امروز کامل کردم دین شما را برای تان، پوره و کافی میدانیم.  
چرا ذکور و اناث، شقی و سعید عالم اسلام حتی اولیاء و انبیاء (ع) بطور واجب در همه نمازها «*اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ*» باید بگویند در حالیکه بر هدایت هستیم و این عبارت به معنی درخواست هدایت باشد گویا که یا هدایت نشده ایم و یا بر هدایت خود تشکیک داریم؟

۴- «*صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ*» الخ. به راه راست آنانیکه نعمت داده به ایشان که انبیاء و رسل و غیره نیکان باشند.  
حال آنکه راه انبیاء (ع) همه و همه بر زحمت و تکلیف بوده که بعضاً به حالت رقت بار کشته یا زخمی شدند مثل نوح و ذکریا و عیسی علیهم الصلوة و غیره.

پس نعمت چه خواهد بود؟

۵- چرا اول خداوند جل جلاله در «*أَلَمْ*. *ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ*» فرموده است. (بقره/۲)

ترجمه : بعد از حروف مقطعات *أَلَمْ*. این قرآن که در آن هیچ شک و تردید نیست رهنمایی برای پرهیزگاران است.

پس "هدی للناس" یا رهبر عامه مردم چه باشد؟  
یا به عبارهء دیگر چرا "هدی للناس" نگفت؟ درک این حقیقت به ما چه راز  
عمده را می آموزاند و یا به اختیار ما قرار میدهد؟  
۶- چرا اول اساس مدارج قبول ایمان را به غیب به لفظ «يُؤْمِنُونَ  
بِالْغَيْبِ» استوار کردند؟ (بقره/۳)

ایمان بر غیب چیست (مؤمن به تفصیلی و اجمالی)؟  
ازین چه حقیقت به دست می آید توضیح دهند. خصوصاً که در اول عبارت  
امنت بالله ایمان بر خدا جل جلاله را مقرر کرده اند؟  
۷- غیب چه را می گویند؟ و خداوند جل جلاله را چرا غائب میدانند  
درحالیکه حضرت او جلت عظمته میفرماید:

« وَتَحَنُّنٌ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ » (ق/۱۶)

ترجمه : ما نزدیکتر هستیم به او از رگهای گردنش (شارگ های گردنش).

۸- « يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ » الخ. که علامت دوم مؤمن به یقین برپا میدارد

نماز را (خدمات جانی).

الف: خدمات جانی چیست؟

ب : نتیجه این عمل در ظاهر و باطن چیست؟

۹- « وَ مِمَّا رَزَقْنَهُمْ يُنْفِقُونَ » (بقره/۳)

علامت سوم مؤمنان خدمات مالی از آن چه به ایشان روزی داده ایم. که

به قول فقها زکوة از نقود و صوائم و غیره پرداختن است. حقیقت « مِمَّا

رَزَقْنَهُمْ يُنْفِقُونَ » چیست؟

۱۰- چرا خداوند جل جلاله پس از (۴) آیت علامت مؤمن و (۲) آیت نشانهء کافر و یازده آیت را به دو مثال که مجموعاً (۱۳) نشانه می گردد در باره منافقین فرموده است که به تناسب علامات مؤمن سه برابر بیشتر و به نسبت آیات کافر شش و نیم برابر اضافه تر وارد گردیده با آنکه در اول عبارت مجرد ایمان بر خداوند جل جلاله و روز آخرت شانرا نفی کرده و ایشان را مؤمن با این اقرار ندانسته است؟

۱۱- چطور کنیم که اصل ایمان و اقرار به زبان و تصدیق دل را بدانیم زیرا گواهی زبان فهمیده میشود اما تصدیق دل را کس نداند؟

۱۲- خداوند جل جلاله در قرآن عظیم الشان می فرماید:

« فِی قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ » الخ. (بقره/۱۰)

به دلهای کفار اشاره مرض شدید نموده است. آیا حقیقت این به منطق عالی علمی چه خواهد بود؟

۱۳- « خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ » الخ. (بقره/۷)

ترجمه : مهر نهاده است خداوند جل جلاله بر دل های شان طوریکه مفسرین گفته اند که مهر کفر بر دل های کفار نهاده اند.

پس کفار چه مسئولیت دارند؟ زیرا از اول آنها را کافر آفریدند اگر

تعبیر و تفسیر صحیح باشد و الا نه صورت صحیح آن کدام است؟

۱۴- قرآن عظیم الشان عقل، اراده، ایمان، مرض، شهوت، چشم و غیره را به دل نسبت داده است.

برعکس اعداء اسلام میگویند که این ادعا بالکل پوچ و مخالف اساس

علمی است جواب چه باشد؟

۱۵- « فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا... » مبرهن چه حقیقت است؟

ترجمه : پس مقرر مکنید به خداوند جل جلاله هیچ همتائی. (بقره/۲۲)  
آیا کفر و بت پرستی باطنی نیز درین شامل است یا خیر؟ اگر شامل است  
انداد باطنی چیست؟

الف: آیا مسلمانان در حالیکه میگویند خدا جل جلاله را دوست داریم  
ولی طوریکه دیده میشود چندین بار بیشتر از آن زن، بچه و شهوت را  
دوستتر دارند چرا؟

ب: آیا مسلمانان در حالیکه میگویند ما از خداوند جل جلاله می ترسیم با  
آنکه عملاً صدها بار بیشتر از ظابط و ارباب قدرت می هراسند چرا؟  
ج : آیا در حالیکه مسلمانان می گویند خدا جل جلاله را حاضر و ناظر  
میدانیم چرا بدکاران (رشوت، دزدی، زنا کاری و غیره) را از طفل پنج ساله  
می پوشانند و روبروی او گناه نمی کنند و آن عمل ناروا را نمی نمایند ولی  
از حضور خداوند جل جلاله هراس ندارند؟

۱۶- گویند ملایک اجساد لطیفه نورانی باشند که از همه حوائج توالد،  
تناسل و اکل و نوش مبرا اند.

آیا از کجا خلق می شوند؟ و چطور پیدا می گردند؟ آیا سکونت شان  
کجاست؟

اگر توالد و تناسل ندارند از کجا می شوند؟

۱۷- آیا حوران و غلمان که قرآن به چندین جای برای مؤمنان وعده  
کرده است به چه نظام روبرو اند و چطور توالد و تناسل می کنند؟

- ۱۸- آیا (۷۴) آیت راجع به ملک و تصرفات آنها بر انسان به عقیده شما برای چیست؟ و چه خواهد بود؟
- ۱۹- فرق بین روح انسان و دیگر جانداران به نظر شما چه خواهد بود؟
- ۲۰- درست است که دهن راه تقویه بدن به واسطه غذا است.
- آیا دهن تقویه روح در انسان چه خواهد بود؟ و در کجا است؟
- ۲۱- آیا روح بعد از مرگ به کجا میرود؟
- ۲۲- آیا با جسد روح انسان بعد از مرگ ارتباط دارد یا خیر؟
- ۲۳- اگر ارتباط ندارد اصل حقیقت آن چیست؟
- ۲۴- آیا عزرائیل (ع) چطور میدانند که اجل فلان کس رسیده است؟
- ۲۵- می گویند جن مثل ما انسان ها به امر و نهی مکلف اند آیا آنها پیغمبرهای جداگانه دارند؟ یا چطور؟
- ۲۶- آیا در کجا خلق می شوند و کجا به سر می برند؟
- ۲۷- شیطان و وساوس آنها بیشک در دل خود (باطن) هر واحد احساس می کند. آیا این موجودان توالد و تناسل دارند یا خیر؟ و به کدام زاویه از جهان و غیره جایها افلاک شان خواهد بود؟
- ۲۸- علمای دینی گویند که شیاطین تا روز قیامت نظر به آیت های واضح که خداوند جل جلاله فرموده نمی میرند.
- آیا اگر نابودی در ایشان نباشد پس در حال توالد و تناسل روی زمین حتی همه کرات را فرا نخواهد گرفت؟
- ۲۹- اگر چنین نباشد که توالد و تناسل شان به یک بار در اول خلقت انجام یافته است پس اینها دارای چه عمرهای دراز هستند طبیعی که به

تکتیک تلبیسات نظر به تجارب بر اولاد بشر روبرو قوی و قویتر گردند، کجا میتوان انسان ضعیف به ایشان مقابله کند جز اینکه به شکست در شکست روبرو و مواجه گردد؟

۳۰- آیا در (۱۵۶) جای قرآن کریم نام و کارگذاریهای شیطان را چرا خداوند جل جلاله تذکر داده و توضیح نموده است، مطلوب به عقیده شما چیست؟

۳۱- آیا به نظر شما سویه شیاطین که با زعمای بزرگ جهان و دهقانان بیچاره مقرر اند یکسان است؟ یا چطور؟

۳۲- کوتاه ترین راه حصول معرفت که اکثر پیشوایان دین آنرا در تفسیر: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» ای لیعرفون. (ذریات/۵۶) ترجمه: نیافریدم جن و انس را مگر برای عبادت یعنی معرفت تفسیر کردند به نظر شما کوتاه ترین راه معرفت کدام خواهد بود؟

۳۳- نظر به اصول اساسات فقه مثل نورالانوار، حسامی، شاشی و غیره هرگاه آیه به صیغه حکم نازل شده و قرینهء مانعه یا خلاف نداشته باشد باید آنرا فرض دانیم.

چرا از دو هزار و پنجد آیت متذکره که راجع به تفصیل انواع تخلیق فرموده است مسلمانان کار نگرفتند؟

۳۴- رسول (ع) در فضیلت مطالعه اسرار عظمت و حکمت آن در لابلای اسباب و اشیاء عالم مادیات چقدر تشویقات کرده مثلاً یک دقیقه مصروفیت به چنین حقایق را معادل یکسال عبادت و یک ساعت آنرا بهتر از شصت سال طاعت شمرده اند چرا؟

۳۵- نهی از تفکر در ذات خداوند جل جلاله و برعکس متوجه شدن در انواع و اقسام نعماً و اشیا (دنیا) چرا تشویقات فرموده اند؟ چنانکه می فرماید:

« تفکرو فی الاء الله ولا تفکرو فی ذات الله » الحدیث

ترجمه : تفکر کنید در مصنوعات خداوند جل جلاله و فکر نکنید در ذات الله.

۳۶- چرا از قرآن پنجد آیات احکام را گرفتند متباقی (۶۱۶۶) آیات را به دست فراموشی قرار دادند؟

۳۷- آیا بروی (۲۵۴) آیات که راجع به نفس و انواع آن به سه قسم توضیحات داده است چه معلومات دارید؟

۳۸- آیا به عقیده شما خود نفس چیست؟

۳۹- آیا نفس بر چند قسم است؟

۴۰- منظور از سویه های مختلف نفس چیست؟

۴۱- تبدیل موقف نفس از یک حالت به حالت دیگر به واسطه چه می شود؟

۴۲- آیا حضرت محمد صلی الله علیه وسلم با خود چه داشت که عقاید (۱۵۰۰) ساله بت پرستان را با همه مزخرفاتش تغییر داد؟

۴۳- چه چیز اکثر مشرکین را واداشت که پس از درآمدن به اسلام برخلاف عقاید خویش مردانه وار در راه خدا جل جلاله برای شیوع وحدت آماده هرگونه ایثار شدند و نزدیکترین دوستان را در حال مخالفت با اسلام نابود ساختند؟

۴۴- نظر به آیه: « وَلَا تَهْتُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلُونَ إِنْ كُنْتُمْ

مُؤْمِنِينَ» (آل عمران/۱۳۹)

ترجمه: خوار نمی شوید و به غم گرفتار نمی گردید و شما هستید (ای مؤمنان) به مقام اعلی اگر بودید مسلمین کامل الایمان.

لازم بود که تصرف و تسلط بر همه امور جهان برای مؤمنان میشد؟

ولی اکنون همه ممالک اسلامی بطور مستقیم یا غیر مستقیم به

دروازه‌های یکی از شرق یا غرب افتاده اند. یعنی ایمان ما قابل پسند او تعالی

جل جلاله نیست یا وعده اش خلاف گردیده؟ نعوذ بالله.

۴۵- آیا غلبه کنونی اعدا بر جامعه مسلمین دلیل روشن بر بطلان رویه

ما خلاف نصوص صریح قرآن نیست؟ یا حقیقت طور دیگر است؟

۴۶- آیا این پسمانی جامعه اسلام را از صحیح نبودن احکام قرآن باید

گفت نعوذ بالله و یا گمراهی و خلاف ورزی ما از شاهراه حق و عدالت

نموداری می کند؟

۴۷- در حالیکه همه علما و پیشوایان می گویند و به حجت قاطع قرآن

نظر میدهد که نماز منع کننده شخص از جمله اعمال و اقوال ناروا است و

هکذا همه عبادت باعث تقویه قوای ایمانی و روحانی از قبیل ذکر، نماز،

روزه، زکوة، حج و غیره می گردد.

اما اگر دقت کنیم به خوبی در می یابیم که به جماعه مؤمنین نه تنها نماز

وسیله تزکیه نفس و تصفیه قلب نگردیده بلکه بر عکس سبب تاریکی باطن

و مقهوری خدای زمین و زمان واقع شدیم مگر نمی بینید که (۴۱) ممالک

اسلامی همه به دروازه های شرق و یا به دامن غرب افتاده است علت چیست؟

۴۸- حالا چه چیز می تواند که باعث نجات مسلمانها گردد؟

۴۹- ایمان چیست؟ و اثر آن در ظاهر و باطن شخص چطور نمودار میشود؟

۵۰- خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

«إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» (عنکبوت/۴۵)

ترجمه: نماز شما را باز میدارد از جمله امور ناروای قوی و فعلی الخ.

با ادای این همه طاعات پنجگانه (نماز) چرا کمترین تصرف بر جلوگیری خویش اکثراً نیافتند که لااقل غیبت و تهمت و غیره خودخواهی و نفس پرستی را در معاملات نکنند؟

۵۱- آیا این نماز چنانکه خداوند متعال می خواهد به آن اساس تنظیم

نگردیده یا به جای آوردن ما مثل شاید و باید نیست؟

۵۲- چرا در هنگام ادای نماز حضور دل را به دست آورده نمی توانیم؟

۵۳- شما اگر به روز پنج بار به سر دو انگشت از زمین خاک بردارید و در خلته بیندازید پس از سالی حتماً پر می شود.

آیا اثر نماز از خاک بی ارزشتر است که در طول ۱۰، ۲۰، ۳۰، ۴۰،

۵۰ و بالاتر از آن سالها خواندیم ولی در باطن ما نوری که دست کم ظاهر

ما را صاحب حضور گرداند میسر نشد. نقص چیست؟ و اصلاحش چطور خواهد شد؟

۵۴- چرا انسان به هنگام شروع در عبادات مثل تلاوت یا نماز و اذکار همزمان مصروفیت به آن تا آخر به انواع وساوس گوناگون خودش اینجا و باطنش به صدها جایها میگردد؟

۵۵- خداوند جل جلاله می فرماید:

«يَحْسِرَةُ عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ»

هرگاه در ترجمه و تفسیر « مَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ » دقت نماییم درست روشن است که خدای متعال نیکان مؤمنان را مورد خطاب خود قرار داده می فرماید:

ترجمه : ای افسوس بر کسانی که به دعوت انبیاء (ع) و قبول کتب آسمانی مقرر بودند.

نفرستادم به ایشان هیچ پیغمبری را مگر که به او تمسخر و استهزاهای کردند. دقت کنید که این عمل از جانب بندگان خدا جل جلاله و مقرران بر وحدت در برابر شان واقع میشود.

آیا از طرف منکرین وحدت و شریعت چه ها که به وقوع نمی پیوست؟  
آیا درک حقایق فوق خصوصاً به عصر امروز به ما چه میرساند؟ قابل توجه مزید نکته سنجان موشکاف است.